جايي براي جوان‌ها نيست

1 آذر 1403

جشنواره فيلم فجر فقط مهم‌ترين جشنواره سينمايي ايران نيست، تنهاترين آن هم هست. با آنكه در سال‌هاي اخير ريزش مخاطب داشته و ديگر از صف‌هاي طويل دهه‌هاي هفتاد و هشتاد جلوي سينماهاي نمايش‌دهنده فيلم‌هايش خبري نيست، اما نمي‌توان تاثيرش را بر روند فيلمسازي كشور و اقتصاد سينما انكار كرد.

شايد به همين دليل افراد شوراي سياستگذاريش مي‌توانند نقش مهمي در بهبود يا تخريب سينماي ايران داشته باشند. اعلام ديرهنگام شوراي سياستگذاري چهل و سومين جشنواره فيلم فجر يك‌بار ديگر نشان مي‌دهد كه انگار قرار نيست جوان‌ها، فيلمسازان مستقل و چهره‌هاي جديد و... نفس تازه‌اي به اين جشنواره بدمند. البته در اينكه معاونت سينمايي به دليل كوتاهي عمر فعاليتش و فرصت كوتاه باقيمانده در جشنواره چندان دست بازي هم نداشته، شكي نيست. اين نگاه و نظر هم قرار نيست پيشنهادي براي جشنواره پيش رو باشد. اما قاعدتا هر برنامه فرهنگي، اقتصادي، اجتماعي و سياسي نيازمند برنامه درازمدت براي آينده است.

به احتمال زياد چهل و سومين جشنواره فيلم فجر آخرين دوره اين جشنواره نخواهد بود. (اينكه به‌طور قطعي نمي‌گويم به خاطر همه اتفاقات خوب و بدي است كه ممكن است براي جشنواره و كشور و دنيا رخ بدهد) اما قطعا اگر دنيا به پايان نرسد و هنر هفتم به‌طور كل تعطيل نشود و ... فيلمسازان جوان و مستقل ايران همچنان فيلم خواهند ساخت. تعدادشان هم خوشبختانه روز به روز بيشتر مي‌شود. با اين حساب سهمي كه در سينماي ايران پيدا خواهند كرد، بيشتر خواهد شد.

گمان نمي‌كنم در تركيب شوراي سياستگذاري جشنواره پيش رو كسي صداي اين جوانان و فيلمسازان باشد. صدايي كه اگر شنيده شود، مي‌تواند باعث تحرك بيشتري در اين جشنواره شود.جشنواره‌اي كه اگر چه عمرش از كوچك‌ترين عضو شوراي سياستگذاري (عليرضا تابش پنجاه‌ساله) كمتر است ولي نيازمند دميدن خون تازه در رگ‌هايي دارد كه وصل به شريان سينماي كشور است. واضح‌تر بگويم اين نفرات كه خوشبختانه در رديف خوبان فرهنگ و هنر ايران هستند (با درجات بالا و پايين) اما نگاه و نگرش نسبتا يكساني دارند. سال‌هاي زيادي براي جشنواره فيلم فجر، فارابي، خانه سينما و... برنامه ريخته‌اند و... چه مي‌شد اگر كنارشان افرادي قرار مي‌گرفتند كه نگاه متفاوتي به برنامه‌ريزي براي سينما و جشنواره داشته باشند. چه مي‌شد اگر سابقه مديريت نداشتند و فقط فيلمساز، منتقد، كارشناس و... بودند. چه مي‌شد اگر به‌جاي شصت‌سالگي، دهه شصتي يا حتي جوان‌تر بود؟

قصد پس زدن تجربه‌دارها و موسفيدان و تجربه كسب‌كرده‌ها نيست. نيت ميدان دادن به ايده‌هايي است كه جوانان خوشفكري در ذهن دارند كه نرمي صندلي مديريت‌هاي دولتي كرخت، تنبل و ملاحظه‌دارشان نكرده است.

بهتر است خان‌دايي‌ها (منظور افراد مصلحت‌انديش شبيه شخصيت خان‌دايي فيلم قيصر است) را از

سياستگذاري جشنواره فيلم فجر و سينما و تئاتر و هنر و فرهنگ و... كنار نگذاريم، اما صندلي‌هايي را هم به جوانان پرشر و شور و اهل عملي شبيه قيصر (شخصيت فيلمي به همين نام از مسعود كيميايي) بدهيم. شايد در آن صورت موقعيت سينماي تجربي، فيلمسازان مستقل، سازندگان فيلم كوتاه و فيلم‌هاي زيرزميني و... بهتر شود.

*حسن لطفی ـ منتقد و مدرس سینما